



فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی

سال سوم، شماره ۶، بهار ۱۳۹۹

www.qpjjournal.ir

ISSN : 2645-6478

طنین سوررئالیسم غربی در صدای پای آب سپهری

دکتر مهرداد آقائی^۱

دکتر فاضل عباس زاده^۲

سوسن غایب زاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۲/۲۱

چکیده

سوررئالیسم با تمام شبهه‌ها و سردرگمی‌های خود چنان آتشی بر جان ادبیات انداخته که همچون سیلی ویرانگر خاوران را به سان باختران درنوردیده و شوری به همه عالم زده است. سهراب سپهری، شاعر، نقاش و طبیعت‌گرای ایرانی، طی سفرهایی که به شرق و غرب عالم داشت و نیز آشنایی او با عرفان شرقی و مکتب‌های ادبیات غرب باعث شد که در شعر او الهامات سوررئالیستی جلوه‌گری کند. این مقاله بر آن است که ضمن معرفی مکتب سوررئالیسم به بررسی ویژگی‌های آن در شعر «صدای پای آب» سپهری بپردازد. با توجه به شواهد موجود در این شعر مشهور، این نتیجه حاصل شد که سپهری در سبک شعری خود در «صدای پای آب» بسیاری از اصول و مبانی سوررئالیستی را درنوردیده و پا به عرصه فراواقعیت‌هایی نهاده که حتی خود غربی‌ها هم به آن دست نیازیده‌اند. هدف از این پژوهش، بررسی نحوه ترسیم جهان واقعی با زبانی فراواقعی و رسیدن به حقیقت برتر از طریق امور ذهنی و روحی، با بهره‌گیری از مکتب سوررئالیسم در شعر مذکور است.

کلیدواژه‌ها: سهراب سپهری، مکتب سوررئالیسم، صدای پای آب، سبک شعری، عرفان شرقی.

فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی

۱- * استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول) ایمیل: Almehr55@yahoo.com

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد پارس آباد مغان، دانشگاه آزاد اسلامی، پارس آباد مغان، ایران. ایمیل: Fazil.abbaszade@gmail.com

۳- کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. ایمیل: s.gh_2015@yahoo.com



۱. مقدمه

سوررئالیسم، به معنای «فراواقع‌گرایی، ذهن‌گرایی یا وهم‌گرایی» نخستین بار توسط «گیوم آپولینر» در فرانسه در زمینه ادبیات و هنر به وجود آمد. این مکتب، از دهه سوم قرن بیستم در غرب شکل گرفت و به سرعت در سراسر جهان از جمله ایران راه یافت و طرفداران بی‌شماری پیدا کرد. در سوررئالیسم هدف هنرمند این است که واقعیت و رؤیا را به هم بیامیزد و «واقعیتی برتر از واقعیت» بیافریند. سهراب سپهری، شاعر، نقاش و طبیعت‌گرا، در سفرهای خود به شرق و غرب عالم و آشنایی‌اش با عرفان شرقی و مکتب‌های ادبی غربی، موجب بازتاب جلوه‌هایی از مکتب‌های مختلف از جمله مکتب سوررئالیسم در برخی سروده‌هایش چون «صدای پای آب» در حوزه شعر نو گردید. روش پژوهش در این مقاله، گردآوری امثال و شواهد شعری از هشت کتاب سپهری و دسته‌بندی شواهد مذکور و توصیف ویژگی‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌هاست. ابتدا به توصیف مکتب سوررئالیسم و شرح حال سهراب سپهری و گرایش وی به این مکتب پرداخته شده، سپس جریان‌های شعر سوررئالیستی در شعر «صدای پای آب» با ذکر عناصر اصلی‌شان مورد بررسی قرار گرفته است. می‌توان گفت که نگاه‌های عرفانی سهراب ریشه در سوررئالیسم دارد «در آخرین آثار سهراب گرایش به متافیزیک موج می‌زند و قطعاً می‌توان گفت که دفتر آخر سهراب عرفانی‌ترین بخش کار اوست». (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۲)

در این پژوهش تلاش می‌شود تا به این پرسش‌ها پاسخ داده شود:

- ۱- جریان‌های شعر سوررئالیسم در شعر صدای پای آب سهراب سپهری برگرفته از چیست؟
- ۲- هدف سهراب سپهری از کاربرد سوررئالیسم در شعر «صدای پای آب» چیست؟

پژوهش حاضر بر اساس این فرضیه شکل گرفت که سفرهای سهراب به غرب و شرق عالم باعث شد جلوه‌ای از مکتب سوررئالیسم در شعر «صدای پای آب» او متجلی شود. همچنین بزرگ‌ترین هدف شاعر از استفاده این مکتب، رسیدن به حقیقت برتر و فراواقعی از طریق امور ذهنی و روحی، غیرمادی و غیر عینی بود.

۱-۱. پیشینه پژوهش

درباره سوررئالیسم و بررسی مؤلفه‌های این مکتب ادبی در آثار و اشعار شاعران گذشته و معاصر پژوهش‌هایی صورت گرفته است؛ از جمله: مقاله «نگاهی گذرا به جلوه‌های سوررئالیستی هشت کتاب» نوشته عبدالله حسن‌زاده میرعلی و محمدرضا عبدی، مجله ادبیات پارسی معاصر، سال سوم بهار ۱۳۹۲. نویسنده در این مقاله به عناصر طبیعی و نسبت دادن امور غیرعادی به اشیای عادی و گام نهادن در فراواقعیت در منظومه‌هایش پرداخته است. مقاله «جلوه‌های سوررئالیستی صدای پای آب» نوشته کاظم نامدار، مجله رشد زبان و ادب فارسی تابستان ۱۳۸۹



شماره ۹۴. نویسنده در این مقاله، پس از تعریف و تشریح مکتب سورنالیسم، به شرح حال سهراب سپهری و گرایش وی به این مکتب پرداخته و سپس مجموعه شعر «صدای پای آب» او را بررسی کرده است. مقاله «نگاهی تحلیلی — فلسفی به منظومه «صدای پای آب سپهری» نوشته اسماعیل نرماشیری، مجله ادبیات پارسی معاصر پاییز و زمستان ۱۳۹۱. این مقاله به این مسأله اشاره دارد که سهراب با نگاه فلسفی خود مفاهیم معنادار عناصر را به خوبی درمی‌یابد و رابطه دیالکتیک پدیده‌ها و نوع نظم کیهانی آن‌ها را در قالبی شاعرانه بیان می‌کند. مقاله «نمودهای سورنالیستی در شعر جنگ بر مبنای آثار پنج شاعر مقاومت (علیرضا قزوه، قیصر امین پور، سلمان هراتی، احمد عزیزی و طاهره صفارزاده) نوشته فرنگیس شاه‌رخی و همکارانش، پژوهشنامه مکتبهای ادبی، زمستان ۱۳۹۶. در این مقاله برخی از ویژگی‌های مکتب سورنالیسم، نظیر طنز و کنایه، عشق و جنون و مستی، غم و اندوه، تخیل و وهم و... در شعر جنگ بازتاب داشته و به تحلیل نمودهای مکتب سورنالیسم در شعر جنگ با تکیه بر آثار پنج شاعر برجسته مقاومت، پرداخته شده است.

مقالات دیگری نیز درباره سبک ادبی سورنالیسم انجام شده است؛ اما پژوهش مستقلی با موضوع «طنین سورنالیسم غربی در صدای پای آب سپهری» صورت نگرفته است و همین نکته، لزوم پرداختن به این موضوع را نمایان می‌کند.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. معنای لغوی و اصطلاحی سورنالیسم

اصطلاح سورنالیسم از دو جزء اساسی «سور» به معنای روی، برفراز و بالا و «رنال» به معنای حقیقت، چیز واقعی، صحیح و حقیقی ترکیب شده است. سورنالیسم به معنی گرایش به ماورای واقعیت یا واقعیت برتر است. فراواقع‌گرایی یا سورنالیسم، یکی از جنبش‌های معروف هنری در قرن بیستم بود. آندره برتون در سال ۱۹۲۴ بیانیه سورنالیسم را منتشر و سرانجام سورنالیسم را چنین تعریف کرد: «خودکاری خالص روانی که منظور از آن عبارت است از فراگرد واقعی اندیشه به‌طور شفاهی یا مکتوب یا هر نحو دیگر؛ یعنی تقریر اندیشه، فارغ از هرگونه ملاحظه اخلاقی یا جمال‌شناسی» (ثروت، ۱۳۸۵: ۲۲۸). برتون می‌گوید: «مکتب ادبی و هنری سورنالیسم به دنبال مکتب دادائیسم در فرانسه پا گرفت. سورنالیسم در زبان فرانسه به معنای «در ورای واقعیت» و «پشت واقعیت» است. این اصطلاح را گیوم آپولینر شاعر فرانسوی به کار برد، اما بیانیه سورنالیسم توسط شاعری به نام آندره برتون در سال ۱۹۲۴ منتشر شد» (داد، ۱۳۷۱: ۱۷۴)



۲-۲. خاستگاه و علل پیدایش سوررئالیسم

واژه «سوررئالیسم» به معنای فراواقع گرایی یا وهم گرایی، از نظر تاریخی نهضتی است که از سال ۱۹۲۰ آغاز شد و عده‌ای از شاعران و نقاشان را به رهبری «آندره برتون» گرد هم آورد. اغلب این هنرمندان قبلاً جزء فعالان دادائیسیم بودند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که راه رستگاری را در آن لحظه‌های حیاتی پیدا کرده‌اند که انسان را به مرحله‌ای بالاتر از خویشتن و از زندگی عادی خویش صعود می‌دهد (سید حسینی، ۱۳۸۹: ۷۸۶/۲).

از نظر علل پیدایش و خاستگاه تاریخی اجتماعی باید سوررئالیسم را نتیجه سرخوردگی و انزواجویی روشن‌فکران غربی در اعتراض به عواقب دردناک و ویران‌کننده جنگ جهانی اول دانست. این روشن‌فکران نخست از «مدرنیسم» و جهان‌بینی حاکم بر آن بریدند و گوشه‌گیری اختیار کردند، سپس به دادائیسیم روی آوردند که به همه دستگاه‌ها و نظام‌های اخلاقی بی‌اعتنا بود و آن را بی‌ارزش و فاقد کارایی می‌دانست. بعدها بسیاری از پیروان دادا در مقابل عقل‌گرایی و ماده‌گرایی مدرنیست‌ها به تخیل و ذهنیت‌گرایی تمایل یافتند و در پی کاویدن ضمیر ناخودآگاه خود برآمدند و به این ترتیب مکتب سوررئالیسم را بنیان نهادند. (حسن‌زاده میرعلی و عبدی، ۱۳۹۲: ۸۰)

۲-۳. اصول سوررئالیسم

سوررئالیست‌ها برای گریز از جهان واقعی به واقعیتی دیگر پناه بردند که در ورای واقعیت‌های ظاهری وجود داشت. این جنبش همه ارزش‌های انسانی را نفی نمی‌کرد، بلکه در پی یافتن ارزش‌های تازه‌ای بود که بتواند زندگی بهتری را به ارمغان آورد. آن‌ها این واقعیت مطلق را در آزادسازی ذهن از همه قیود یافتند (انوشه، ۱۳۷۶: ۳۸۶) اصول سوررئالیسم عبارت‌اند از: واقعیت و رؤیا، نگارش خودکار، پوچی و بی‌معنایی، ناکامی دائم، طنز، جذب، جنون و تحذیر، اشتیاق به امر شگفت و جادو، باور به تصادف عینی (هم‌زمانی حیرت‌آور)، اشیای سوررئالیستی، کشف و شهود، یأس و ناامیدی، نفی زمان و مکان، غریزه‌گرایی، عقل‌گریزی، ترسیم صحنه‌ها و تجارب وهم‌آلود، زیبایی‌شناسی، تنش‌آور، نقطه علیا و انقلاب دائم.

۲-۴. تفاوت آثار رئالیستی و سوررئالیستی

تفاوت اساسی بین آثار رئالیستی و سوررئالیستی در این است که رئالیسم دربرگیرنده مضامین و شکل‌هایی است که چه در سطح اجتماعی و چه در سطح هنری، برگرفته از پذیرفته‌های مخاطب‌اند؛ در حالی که سوررئالیسم می‌کوشد تا با از بین بردن مضامین و درهم شکستن شکل‌ها به زیبایی‌های جدیدی دست یابد و مخاطب خود را



به فضایی سوق دهد که قبلاً تجربه نکرده است. به دیگر سخن، مخاطب در جهان سوررئالیستی، چیزهایی را می‌بیند که در جهان رئالیسم وجود ندارد. (راغب، ۲۰۰۳: ۳۴۸)

۲-۵. سهراب سپهری و جریان عناصر سوررئالیستی در «صدای پای آب»

سهراب سپهری (۱۳۵۹-۱۳۰۷ ش) شاعر و نقاش برجسته معاصر در سال ۱۳۳۰ با چاپ اولین مجموعه شعری‌اش با عنوان «مرگ رنگ» به‌طور جدی وارد عرصه ادبیات فارسی معاصر شد. (یاحقی، ۱۳۷۹: ۱۲۹) پس از آن، به‌تدریج با نشر دفترهای دیگر شعر و به‌موازات آن، برپایی نمایشگاه‌های متعدد نقاشی در داخل و خارج از کشور خود را به‌عنوان شاعر و نقاشی نوپرداز و صاحب سبک و درخور اعتنا مطرح کرد. در طی این سال‌ها سفرهای سهراب به غرب و شرق عالم و دیدار از رم، آتن، پاریس، قاهره، تاج‌محل و توکیو برای او بیش‌تر سلوک روحی و سیر انفس به‌حساب می‌آمد تا گشت‌وگذار و جهان‌دیدگی. آشنایی سپهری با فکر و اندیشه بودائی و سفر او به هند و ژاپن باعث شد جلوه‌ای از سیرت عارفانه و پارسایانه در شعر او متجلی شود (حسن‌زاده میرعلی و عبدی، ۱۳۹۲: ۷۹).

سهراب در آغاز کار شاعری تحت تأثیر شعرهای نیما بود و این تأثیر در «مرگ رنگ» به خوبی مشهود است. بعدها سبک او دستخوش تغییراتی می‌شود و شعرش از شعر دیگر شاعران هم‌دوره‌اش متمایز می‌گردد. «سپهری با نقب زدن به دنیای اساطیر، یادمان دودمان و تبار خویش را فرا روی بشر نهاده و بدین‌گونه شعر معاصر را با شعر سنتی پیوند زده است. وی در پی به تصویر کشیدن جهان واقعی نیست، بلکه اسطوره‌هایی را مورد توجه قرار می‌دهد که پایه واقعیت بر آنها نهاده شده است.» (اردلانی ۱۳۹۵: ۱۶) از جمله آثار سپهری که آشکارا نشانه‌هایی از عرفان شرق و مکتب‌های ادبی غرب را می‌توان در آن جست، منظومه «صدای پای آب» است.

۲-۵-۱. درباره «صدای پای آب»

صدای پای آب نام پنجمین کتاب از مجموعه اشعار سهراب سپهری به نام هشت کتاب است که شامل یک شعر بلند به همین نام است و در تابستان ۱۳۴۳ در قریه چنار در کاشان سروده شده است (سپهری، ۱۳۸۷: ۲۹۹). این منظومه سه بخش دارد که شاعر در بخش اول، به معرفی کلی خود، اطرافیان، زندگی، مذهب، حرفه و گزاره‌های زندگی‌نامه‌اش در زمان حال می‌پردازد. سپهری در بخش دوم شعر، کودکی و بخشی از جوانی‌اش را در زمان گذشته در دو قسمت توصیف می‌کند: قسمت اول، شامل دوران کودکی، حسب و نسب و حادثه مرگ پدر و یاد پدر و قسمت دوم، شامل تجربه حرکت به سمت دانش و عرفان، زن، شک و سیر آفاق و انفس می‌شود. سپس، شاعر بخش سوم شعر را به معرفی دقیق خود در زمان حال و بیان تفکرات خود که حاصل تولدی دیگر است،



اختصاص می‌دهد. این بخش با بند «اهل کاشانم، اما/ شهر من کاشان نیست...» آغاز می‌شود و می‌توان گفت آغاز حقیقی شعر از اینجا است که نوعی شعر-فلسفه است و کلام و تفکرات در آن اوجی غریب دارد. در این قسمت، ابتدا از تنهایی و عرفان سخن می‌گوید و زندگی تازه و نامتعارف خود را شرح می‌دهد و سپس، مردم را به چنین زندگی و زیستی-عارفانه زیستن- تشویق و ترغیب می‌کند و این نوع زندگی را برای همه مرجح می‌داند و به همه توصیه می‌کند (شمیسا، ۱۳۸۲: ۳۰). در این منظومه، شاعر را با نگاه او به جهانی که ویژگی‌های برخاسته از باورها، اندیشه‌ها و آداب و رسوم جهان‌بینی اوست می‌شناسیم.

۲-۶. جلوه‌هایی از سوررئالیسم در شعر صدای پای آب

۲-۶-۱. تکیه بر کشف و شهود به جای خرد

از دیدگاه سوررئالیست‌ها، خرد قادر نیست همه حقایق را درک کند. حال آنکه به قول برگسن این «کشف و شهود است که توانایی درک منبع اصلی هستی را به آدمی می‌بخشد». (سیدحسینی، ۱۳۸۹: ۴۲۲)؛ بنابراین، اصل اول سوررئالیست‌ها تعطیل کردن عقل و منطق، تکیه کردن بر ضمیر ناخودآگاه است و ابزار ورود بدان، دنیای سوررئال، رؤیا، تخیل و دیوانگی است و دقت در عملکرد و کاربرد آن‌ها... برای این اساس، آن‌ها با تکیه بر این روش‌ها و تأمل در آن‌ها می‌خواهند به یگانگی و معرفت دست یابند: «از آنجا که همه چیز مظاهر یک وجودند، پس تأمل در هر چیزی راهی است برای دریافت این یگانگی.» (مرادی کوچی، ۱۳۸۰: ۱۳۳)

سهراب نیز اهل مکاشفه است و مدعی است که برای درک اسرار هستی باید در جهان مادی به دنبال حقیقت برویم. از منظر عرفانی، سهراب با استفاده از عناصر طبیعت که جلوه‌گاه حقیقت است به پرستش حقیقت پرداخته است و تصور خود از طبیعت را در قالب گل‌ها به تصویر کشیده است. در واقع هدف غایی وی دستیابی به حقیقت در ورای طبیعت و ماده است:

«کار ما نیست شناسایی راز گل سرخ

کار ما شاید این است

که میان گل نیلوفر و قرن

پی آواز حقیقت بدویم» (سپهری، ۱۳۸۷: ۲۹۸ و ۲۹۹)



در این بند از شعر، شاعر با تفکر عارفانه و جست‌وجوی حقیقت و با عبور از مرز عالم ماده در جهت رسیدن به جلوه‌گاه حق است. در این مفهوم، شاعر خدا را، به تمامی حضورش در طبیعت، عبادت می‌کند:

«و خدایی که در این نزدیکی است.

لای این شب‌بوها، پای آن کاج بلند

روی آگاهی آب، روی قانون گیاه» (همان، ۲۷۲)

بر اساس تفکر عارفانه، همه هستی، پرستشگاه شاعر است و طبیعت، خانه خداست و می‌توان خدا را در همه جای عالم یافت:

«کعبه‌ام بر لب آب،

کعبه‌ام زیر اقاقی هاست

کعبه‌ام مثل نسیم، می‌رود باغ به باغ، شهر به شهر

حجرالأسود من، روشنی باغچه است.» (همان، ۲۷۳)

در این بخش از شعر، شاعر با نگاه به فراسوی ذات اشیاء به مرزهای جدیدی از زیبایی موجودات جهان آفرینش دست می‌یابد و چیزهایی می‌بیند که هرکسی قادر به دیدن آن نیست:

«چیزها دیدم در روی زمین:

کودکی دیدم، ماه را بو می‌کرد

قفسی بی‌در دیدم که در آن، روشنی پرپر می‌زد

نردبانی که از آن، عشق می‌رفت به بام ملکوت

من زنی دیدم نور در هاون می‌کوبید» (همان، ۲۷۷)

شاعر در این بند از شعر از مرحله هستی مکانی به فرا مکانی می‌رسد، وجودی که در همه چیز و در همه جا جریان دارد و وحدت همه موجودات به بودن آن بستگی دارد:

«اهل کاشانم، اما



شهر من کاشان نیست

شهر من گم شده است» (همان، ۲۸۶)

این بند از شعر، به تحیر و چپستی فلسفه اشاره دارد و شاعر را به استدراک شهودی می‌رساند که چرا درک صحیحی از آفریده‌ها ندارند و در چپستی فلسفه دچار تحیرند. از نظر شاعر با درک درستی از فلسفه وجودی موجودات می‌توان دریافت که نمی‌توان میان آفرینش موجودات تمایز قائل شد؛ زیرا آن‌ها از حقیقت وجودی یکسانی برخوردارند:

«من نمی‌دانم

که چرا می‌گویند: اسب حیوان نجیبی است، کبوتر

زیباست

و چرا در قفس هیچ‌کسی کرکس نیست

گل شبدر چه کم از لاله قرمز دارد

چشم‌ها را باید شست جور دیگر باید دید» (همان، ۲۹۱)

۲-۶-۲. عقل‌گریزی

از اصول بنیادین سوررئالیسم، تعطیل کردن عقل است، آن‌ها ادراک را از طرق مختلفی که مخالف عقل و خرد است غبارروبی می‌کنند و زبان استدلالی را از بیان کشف و شهود عاجز می‌دانند و راه اظهار آن را صور خیال می‌شمارند که عشق، درهای آن است. عقل در نزد سوررئالیسم بدترین دشمن اندیشه، بزرگ‌ترین زناکار و بدترین زندان است که کارکرد اندیشه و واقعیت بیرونی را درک نمی‌کند و هر چیزی را به احتیاط و محافظه‌کاری می‌آلاید. (اسداللهی و اسمعیلی پور، ۱۳۹۱: ۴۸۱)

سپهری نیز مخالف عقل است و ابراز می‌دارد که هنوز درگیر فلسفه و استدلال نشده است و برای رسیدن به شگفتی به مدد تصویرهای بصری و صور خیال، قوانین علی و معلولی را زیر پا می‌گذارد. بدین ترتیب شاعر از اعتقادات و احساسات پاک دوران کودکی یا نوجوانی خود سخن می‌گوید:

«باغ ما در طرف سایه دانایی بود



باغ ما جای گره خوردن احساس و گیاه

باغ ما نقطه برخورد نگاه و قفس و آینه بود

باغ ما شاید قوسی از دایره سبز سعادت بود

میوه کال خدا را می‌جویدم در خواب

آب بی فلسفه می‌خوردم

توت

بی‌دانش می‌چیدم» (همان، ۲۷۵)

شاعر، عقل را برای رسیدن به خداوند، ناتوان می‌داند و بهترین راه راه، راه دل می‌شمارد:

«مسجدی دور از آب

سر بالین فقیهی نومید، کوزه‌ای دیدم لبریز سؤال» (همان، ۲۷۸)

سپهری از همه ما می‌خواهد که دید و فکرمان را عوض کنیم و خواننده را به شست‌وشوی درون از غبار عادات

نصیحت می‌کند که برای بهتر دیدن باید نوع نگرش را عوض کرد:

«چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید...»

فکر راه، خاطره راه، زیر باران باید برد...» (همان، ۲۹۲)

۳-۶-۲. عشق

عشق واژه‌ای پرکاربرد در تارک ادبیات است که در لابه‌لای دیوان اشعار شاعران مختلف از هر نژاد و زبانی به

وفور یافت می‌شود و جالب اینجاست که هر شاعری برای خود مفهومی متفاوت و به عبارتی تفسیری متفاوت

از این واژه پرآوازه دارد «سورنالیسم معتقد است که عشق امکان بیشتری برای تجاوز از اشکال سه‌گانه هستی

(جنون، رؤیا، نگارش) فراهم می‌کند، در عشق، آفریده با حقیقت خود روبه‌رو می‌شود و از همه هنجارها آزاد

می‌شود و به بالا می‌رود ... عشق در سورنالیسم مبنای فعالیت است: امکان آزادی توهمات و از بین بردن

احساس گناه را فراهم می‌کند». (ادونیس، ۱۳۸۵: ۱۳۴)



سهراب همه هستی را یگانه می‌بیند و در طبیعت غرق شده است و برای او فرقی نمی‌کند که در هر کجای کره زمین قرار دارد؛ زیرا هر کجای کره زمین مال اوست و احساس تعلق به مکانی خاص ندارد و به همه جای آن ابراز عشق می‌کند و احساس غربت نمی‌کند:

«هر کجا هستم، باشم»

آسمان مال من است

پنجره، فکر، هوا، عشق، زمین مال من است

چه اهمیت دارد

گاه اگر می‌رویند

قارچ‌های غربت؟» (همان، ۲۹۱)

سهراب، به همه عناصر طبیعت عشق می‌ورزد؛ زیرا که مرتکب هیچ جرمی نمی‌شوند و هر چیزی در طبیعت مظهر فداکاری، مهر، بخشندگی و زایش است:

«من ندیدم دو صنوبر را باهم دشمن،

من ندیدم بیدی، سایه‌اش را بفروشد به زمین

رایگان می‌بخشد، نارون شاخه خود را به کلاغ» (همان، ۲۸۹)

سپهری در حالتی مثبت نگر، به ویژگی‌های مثبت مانند «عشق»، «موج»، «دوستی»، در ارتباط با «آب» که بازتاب اشیاء را در آن می‌بیند، اشاره دارد:

«عشق پیدا بود

موج پیدا بود

برف پیدا بود دوستی پیدا بود

کلمه پیدا بود



آب پیدا بود عکس اشیاء در آب» (همان، ۲۸۰)

۴-۶-۲. پیوند آزاد

پیوند آزاد همان پیوند نامحدود و بی حد و مرزی است که در سوررئالیسم از سهم ویژه‌ای برخوردار است «تصویر خوب از منظر جمال‌شناسی بر تونی آن است که بین دو طرف تصویر، هیچ‌گونه شباهت و پیوندی وجود نداشته باشد و با تصادف عینی، «خط رابطی» بین ذهنیت و عینیت برقرار سازد. تصویری که برای هم‌نشینی اجزاء آن هیچ شرطی وجود ندارد، تصویرها و اشیاء در برابر هم قرار می‌گیرند و هیچ رابطه و تناسبی با هم ندارند. هرچند نیروی عاطفی عظیمی ایجاد می‌کنند، اما هیچ‌گونه نسبتی بین آن‌ها مشاهده نمی‌شود». (اسداللهی و اسمعیلی پور، ۱۳۹۱: ۴۸۴)

همان‌گونه که در تعریف پیوند آزاد گفته شده است «برتون اصطلاح «نقطه آزاد اتصال» را برای این فرآیند تصویرگری پیشنهاد کرده است. در نقطه آزاد وصلت، اتحاد آزاد است... پیوندها بی‌مرز و نامحدود و بی‌دلیل و در نتیجه تصویرها غریب و شگفت‌اند؛ در تصویر سوررئال، زبان فشرده و درعین حال عربان است. تصویرها بریده‌بریده، ترکیب‌ها نامنتظره، بی‌تناسب و غالباً سرشار از خشم، جنون تکان‌دهنده و حیرت‌زاینده.» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۳۲۱)

برخی از تصاویر و ترکیباتی که در شعر «صدای پای آب» آمده است نشان‌دهنده پیوند آزاد واژه‌ها و کلمات با یکدیگر است؛ به طوری که هیچ پیوند، ارتباط و تناسبی بین آن‌ها به چشم نمی‌خورد:

«من زنی را دیدم نور در هاون می‌کوبید» (همان، ۲۷۷)

«فصل ولگردی در کوچه زن

بوی تنهایی در کوچه فصل» (همان، ۲۸۳)

«جنگ زیبای گلای‌ها با خالی یک زنبیل» (همان: ۲۸۳)

«عطسه آب از هر رخنه سنگ

چک‌چک چلچله از سقف بهار» (همان، ۲۸۷)

«شیهه پاک حقیقت از دور» (همان: ۲۸۷)



۵-۶-۲. هزل

یکی از شیوه‌ها و فنون مکتب سوررئالیسم استفاده از طنز سوررئالیستی است. آن‌ها برای عبور از دنیای سودجو که سود مادی تنها محرک آن است، برای ورود به دنیای شگفتی‌ها و زیبایی‌ها و برای نشان دادن حقارت‌ها و پوچی‌های دنیایی که در آن هستی جریان دارد از طنز استفاده می‌کنند. طنز سوررئالیستی به شاعر امکان می‌دهد که دنیا را از زاویه دیگری ببیند و روابط آشنای اشیا را در هم بشکند. آن‌ها با طنز یک امر یا مجموعه‌ای از امور را از حالت عادی و طبیعی بیرون می‌کشند و به دنیای فراواقعی پرتاب می‌کنند. (حسن‌زاده میرعلی و عبدی، ۱۳۹۲: ۹۱)

با نگاهی اجمالی به شعر صدای پای آب سپهری، استفاده فراوان او از طنز سوررئالیستی برای ما آشکار می‌شود. «خصوصیت برجسته دیگر شعر سپهری که او را در میان معاصران امتیازی بزرگ می‌بخشد نوع بیان طنزآمیز او است که این طنز را چنان جدی عرضه می‌دارد که هزل و جد را از یکدیگر باز نمی‌توان شناخت؛ چرا که مرز میان آن دو گم‌شده و درهم می‌نماید و این مسأله آمیختن طنز به جد - به حدی که قابل تفکیک نباشد - یکی از مهم‌ترین خصوصیات هنر سپهری است.» (مرادی کوچی، ۱۳۸۰: ۲۸۳)

شاعر در قالب طنز به جامعه‌ای که از نظر فکری کاملاً بیماراست و به ناتوانی فقه و بی‌محتوایی سیاست در معنای عمومی اشاره دارد که با افسارگسیخته پیش می‌تازد:

«من قطاری دیدم

فقه می‌برد و چه سنگین می‌رفت

من قطاری دیدم که سیاست می‌برد و چه خالی می‌رفت» (همان: ۲۷۹)

شاعر که در آرزوی زیستن در جهان آرمانی است، برای ایجاد تغییر واقعی در جهان خارج، با استفاده از استعارات و تشبیهات نو و غریب و ستمبل‌های ناآشنا و طنز، دید ما را از واقعیت‌های قراردادی زندگی روزمره به سمت صورت‌های شگفت‌انگیز سوق می‌دهد:

من مسلمانم

قبله‌ام یک گل سرخ

جانمازم چشمه



مهرم نور

دشت سجاده من

من وضو با تپش پنجره‌ها می‌گیرم

در نمازم جریان دارد ماه

جریان دارد طیف

سنگ از پشت نمازم پیداست (همان، ۲۷۸)

سپهری، در این دوره از زندگی با حوادث ناخوشایندی روبه‌رو می‌شود. بندهای زیر یادآور اوضاع نابسامان اجتماعی و اقتصادی روزگار شاعر است. گویا شاعر با استفاده از دو تصویر نمادین؛ یعنی «گاو» و «الاغ» از مردم زملنه‌ای که فهم و درکشان محدود زندگی مادی آن‌هاست و فاقد گوش شنوا و درک بالا در برابر خیرهای اطرافیان اند سخن می‌گوید. سهراب، طنز را چنان جدی بیان می‌کند که هزل و جد را نمی‌توان از یکدیگر شناخت:

«بره‌ای را دیدم بادبادک می‌خورد

من الاغی دیدم یونجه را می‌فهمید

در چراگاه نصیحت گاوی دیدم سیر

قاطری دیدم بارش انشا» (همان، ۲۸۴)

شاعر با نگاه طنز خود به وضعیت نابسامان جامعه و نیز با بیان برخی الفاظ و تراکیب به ظاهر عجیب و غیر واقعی سعی بر این دارد تا با ترسیم برخی تصاویر غیر واقعی شنونده را مبهوت و غرق در افکار پیچیده و درهم تنیده خود سازد. حیواناتی که شاعر در اینجا ذکر کرده هر کدام نماد گروهی از انسان‌های جامعه شاعر است. بره نماد انسان‌های مایوس و ناامیدی است که فکر پرواز را از سر خارج کرده و دست به تاراج هر چه ابزار پرواز است می‌زنند. الاغ نماد افراد روشنفکری است که به جای فکر کردن به شکم خود در پی کشف حقایق و برخی مجهولات هستند. گاو نمادی از مردم ریاکار و متزوری است که بدانچه خود می‌گویند عمل نمی‌کنند. و در آخر قاطر نماد جاهلان عالم مآبی است که به علم و مدرک خود می‌بالند، در حالی که خالی از علم و معرفت هستند.



۳. نتیجه گیری

با توجه به پژوهشی که به عمل آمد نتایج زیر حاصل گردید:

۱- سوررئالیست‌ها برای گریز از جهان واقعی به واقعیتی دیگر پناه بردند که در ورای واقعیت‌های ظاهری وجود دارد.

۲- با توجه به بررسی‌های فوق به‌صراحت می‌توان گفت که سهراب توانست برخی از ویژگی‌های مکتب سوررئالیسم را در شعر «صدای پای آب» بازتاب کند. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: تکیه بر کشف و شهود به‌جای عقل، عقل‌گریزی، طنز (برای آگاه کردن جامعه)، عشق (عشق به خدا)، پیوند آزاد.

۳- نمود ویژگی‌های سوررئالیستی در شعر «صدای پای آب» که در بیشتر موارد ناآگاهانه و خودکار صورت گرفته است، به‌منظور جدا کردن مردم از واقعیت‌ها نیست؛ بلکه ترسیم جهان واقعی است با زبانی فراواقعی.

۴- می‌توان ابراز داشت که این شعر در یک مفهوم کلی، از لحاظ به‌تصویر کشیدن جهان ذهنی شاعر، با توجه به ویژگی‌های رمانتیک شعر، مانند اعتقاد به وحدت وجود، ستایش طبیعت، درک شهودی از اشیاء در طی سفر زندگی‌اش برای درک حقایق دنیا حالتی از گرایش رمانتیکی سهراب است.

۵- کلام آخر این‌که، سهراب با الهام از مکاتب فلسفی و عرفانی شرق و غرب به مرحله‌ای از حالت‌های عرفانی رسیده بود که با زبان شعری هم نمی‌توانست آن را به وضوح بیان کند که این نوعی از عقل‌گریزی سوررئالیسمی است.



منابع

- آدونیس، علی احمد سعید. (۱۳۸۵). *تصوف و سورتالیسم*، ترجمه حبیب‌الله عباسی، سخن، تهران.
- اردلانی، شمس الحاجیه. (۱۳۹۵). «کارکرد اسطوره‌ها در اشعار سهراب سپهری». فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی. س ۱۲- ۴۲- بهار ۱۳۹۵. صص ۱۱-۴۲.
- اسداللهی، خدابخش؛ اسمعیلی پور لوکلایه، مینا. (۱۳۹۱). «سهراب سپهری و سورتالیسم (بررسی تصاویر سورتالیستی در هشت کتاب سهراب سپهری)»، هفتمین همایش انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، صص ۴۷۷-۴۹۲.
- اعتمادی، حسین؛ ناهده فوزی و مهرداد آقایی. (۱۳۹۸). «بررسی تطبیقی عارفانه‌های عاشقانه عبدالوهاب البیاتی و سهراب سپهری»، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، سال ۱۲، شماره ۲۲، صص ۴۹-۸۰.
- انوشه، حسن. (۱۳۷۶). *فرهنگنامه ادبی فارسی (دانشنامه ادب فارسی ۲)*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صص ۸۳۶-۸۳۹ و صص ۷۹۵-۷۹۶.
- بیگزبی، سی. وی. ای. (۱۳۷۶). *داد و سورتالیسم*، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز.
- ثروت، منصور. (۱۳۸۵). *آشنایی با مکتب‌های ادبی*، تهران: سخن.
- حسن‌زاده میرعلی، عبدالله؛ عبدی، محمدرضا. (۱۳۹۲). «نگاهی گذرا به جلوه‌های سورتالیستی هشت کتاب»، ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، ش اول، صص ۷۷-۹۵.
- داد، سیما. (۱۳۷۱). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، تهران: مروارید.
- راغب، نبیل. (۲۰۰۳). *موسوعه النظریات الأدبیه*، الطبعة الأولى، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- سپهری، سهراب. (۱۳۸۷). *هشت کتاب*، تهران: طهوری.
- سید حسینی، رضا. (۱۳۸۹). *مکتب‌های ادبی، ج ۲*، تهران: نگاه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۲). *نگاهی به سپهری*، تهران: صدای معاصر.
- فتوحی، محمود. (۱۳۸۶). *بلاغت تصویر*، تهران: سخن.
- مرادی کوچی، شهناز. (۱۳۸۰). *معرفی و شناخت سهراب سپهری*، تهران: قطره.



نامدار، کاظم. (۱۳۸۹). «جلوه‌های سوررئالیستی صدای پای آب»، مجله رشد زبان و ادب فارسی تابستان ۱۳۸۹ شماره ۹۴، صص ۲۶-۲۹.

نرماشیری، اسماعیل. (۱۳۹۱). «نگاهی تحلیلی — فلسفی به منظومه «صدای پای آب سپهری»»، مجله ادبیات پارسی معاصر، پاییز و زمستان ۱۳۹۱. دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۳۳-۱۴۹.

یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۷۹). *جویبار لحظه‌ها*. تهران: جامی.

فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی



Western Surrealism resonates in the Water footsteps of Sepahri

Mehرداد Aghaei¹

Fazel Abbaszadeh²

Susan Ghaibzadeh³

Abstract

Surrealism, with all its misgivings and confusion, has thrown so much fire into the lives of literature that it has swept across the East like a devastating slave and has swept all over the world. Sohrab Sepehri, an Iranian poet and painter and naturalist, made his surrealist inspirations in his poetry during his travels to the East and West, as well as his acquaintance with Eastern mysticism and Western literature schools. This article seeks to introduce the school of surrealism to examine its features in Sepehri's poem "The Water footsteps." According to the evidence in this famous poem, it was concluded that Sepehri, in his poetic style in "The Water footsteps" had surpassed many of the surrealist principles and grounded in the realities that even the Westerners themselves They need a hand. The purpose of this study is to depict the real world in a supernatural language and to reach the supreme truth through mental and spiritual affairs, by using the school of surrealism in this poet's work.

Keywords: Sohrab Sepehri, School of Surrealism, Water footsteps, Poetry, Oriental Sufism

¹ . * Assistant Professor of Arabic Language and Literature, University of Mohagheh Ardabili. Email: Almehr55@yahoo.com

² . Department of Persian Language and Literature, Pars Abad Moghan Branch, Islamic Azad University, Pars Abad Moghan, Iran

³ .M.Sc. in Arabic Language and Literature, Mohagheh Ardabili University